

اوّل ماه مه

زین سان خموش و سرد نشستن جنایتی ست

بی اعتنا به پویه پنهانی بهار

وقتی که بال چلچله، یکریز و ناگزیر

در آیش وسیع هوا میزند شیار

(محمد رضا شفیعی کدکنی)



در این فضای پرغبارِ دروغ و دغا، هوای مسموم و بختکِ خفقان

در این دورِ دیرپایِ خود را به ستمگران فروختگان و دلکان

در این جولانِ جنگجویانِ ریب و ریا، جشن و پایکوبیِ بداندیشان

که تیره گشته است و چرکینِ منظرِ دلاویزِ چهره پاکِ آسمان

از هجومِ امواجِ کُشنده امید و کُشنده روان به گودیِ حرمان

که برآمده اند خیره از پیِ تحریف و تکذیبِ حقیقت و کتمان

و بپا کرده اند توفانِ تخریبِ زیبائی و تمسخرِ عدالت و احسان

و روان کرده اند تحمیقِ مرد و زن، پیر و جوان، در فراسویِ جهان

آن چنان که گوئی بارشِ پاره سنگهایِ هستی زُداست از دلِ کیهان

کاینک آوار می شود سخت و بی امان بر سرِ هر کوی و مکان

آری، در بحبوحه این جنجالِ بیکران و جنگِ گران علیه انسان

گر صداقتی تو راست، دریاب دلاورِ درونِ خویش را، تازه نفسان
تا در میان این همه دَورانِ درد و بیداد و فغانِ ساری در دوران
داد و و داد را باز آرمان دارد و نیکی را هماره آورد به ارمغان.



Rotenburg an der Fulda

اول ماه مه؛ یازدهم اردیبهشت ماه هزار و سیصد و نود و دو

